

حادثه‌ها

دستگیری خواهر و برادری که مادرشان را سوزاندند

■ ایسنا:فرمانده انتظامی شهرستان چناران از دستگیری خواهر و برادر جوانی که پنج‌سال قبل مادر خود را در مشهد به قتل رسانده و جسد او را در بیابان‌های اطراف چناران به آتش کشیده بودند، خبرداد. سرهنگ جواد اصغری‌عنبران دراین‌باره گفت: جسد سوخته‌شده‌ی روزی روز پانزدهم مرداد سال ۱۳۸۵ در بیابان‌های اطراف این شهرستان کشف و پس از انجام اقدامات قانونی لازم، به پزشکی قانونی انتقال یافت. وی افزود، با اعلام کشف این جسد، خانواده زنی که مفقودیت او را در مشهد به پلیس آگاهی اعلام کرده بودند برای شناسایی جسد کشف شده معرفی شدند اما آنان در پزشکی قانونی جسد را شناسایی نکردند که در نتیجه با انجام معاینات کارشناسی و DNA مشخص شد، متعلق به مادر این خانواده است. فرمانده انتظامی شهرستان چناران خاطر نشان کرد: تحقیقات پلیس درباره این پرونده ادامه یافت اما سرخی از عامل یا عاملان این جنایت به دست نیامد و پیگیری کارآگاهان درباره این پرونده همچنان ادامه یافت. وی با بیان اینکه کارآگاهان پلیس آگاهی پس از گذشت پنج سال پس جوار مقتول را برای دومین‌بار به عنوان مظنون احضار و با توجه به تناقض گویی‌های این جوان ۲۸ ساله او را بازداشت کردند، گفت: متهم در تحقیقات پرونده در برابر شواهد و ادله موجود ناچار به بیان حقیقت و معترف شد به‌خاطر بدبینی به مادرش با همدستی خواهر خود وی را به وسیله شال گردن خفه کردند و پس از انتقال او به بیابان‌های اطراف چناران، جسد را به وسیله‌بنزین به آتش کشیدند. آنان سپس با خودرو سواری پراید مادر خودشان به مشهد بازگشتند و همراه پدرشان که از موضوع بی‌اطلاع بود، اعلام مفقودیت کرده‌اند و خودشان نیز شاکي پرونده بوده‌اند. عنبران خاطر‌نشان کرد: در پی این اعتراضات، دختر نوجوان که ۱۷ سال دارد، دستگیر و صراحتا به قتل مادرش با همدستی برادر خود اعتراف کرد و تحقیقات درباره این پرونده همچنان ادامه دارد.

بازداشت گردانندگان سایت «فساد در سینمای ایران»

■ ایسنا:رییس پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات استان البرز از دستگیری گردانندگان سایت «فساد در سینمای ایران» در سلوچ‌بلخ خبرداد. سرهنگ محمدمهدی کاکوان گفت: «کارآگاهان در رصد اینترنتی به سایتی با عنوان «فساد در سینمای ایران» وبه‌رو شدند و در بررسی این سایت دریافتند گردانندگان آن عکس‌های خصوصی بازیگران ایرانی را منتشر می‌کنند و ی با بیان اینکه آدرس گرداننده این سایت در سلوچ‌بلخ شناسایی شد، گفت: «کارآگاهان در قراری صوری با گرداننده این سایت، وی را دستگیر کردند و با بررسی کسین این فرد مشخص شد او تصویر بازیگران داخلی را با تصویر مستهجن خارجی ترکیب و در سایت تحت عنوان «فساد در سینمای ایران» بارگذاری می‌کرده است.» این مقام انتظامی اضافه کرد: «متهم در بازجویی ضمن قبول بزه انتسابی، هویت همسدت دیگر خود را نیز معرفی کرد و این متهم نیز دستگیر و مشخص شد هر کدام از آنها مبلغ ۱۲۰ هزار تومان از فردی ناشناس دریافت می‌کردند تا نسبت به این عمل اقدام کنند.» کاکوان با بیان اینکه «ماموران در تحقیقات خود دریافتند فردی که به متهمان پول می‌داده تا آنان این سایت را اداره کنند با نام جعلی اقدام به باز کردن حساب کرده است.»خاطر‌نشان کرد: «تحقیقات برای دستگیری این فرد ادامه دارد.»

متهمان حادثهٔ ریزش سقف مسجد متواری هستند

■ شرق: دادستان تهران گفت: موضوع فوت شش شهروند تهرانی که در اثر ریزش دیوار و سقف مسجدی در تهران جان خود را از دست داده‌اند، به‌طور ویژه پیگیری می‌شود. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دادستانی تهران، عباس جعفری دولت‌آبادی افزود: «از نخستین ساعت وقوع این حادثهٔ بازیروس ویژه قتل در صحنه حضور یافت و دست‌و‌و‌های لازم قضایی را برای تعقیب و دستگیری متهمان صادر کرد.» دادستان تهران در ادامه تأکید کرد: «مسوولان گوینداری ساختمان مجاور مسجد اعم از مالک ملک، پیمانکار و مهندس ناظر که عامل ارتیزش دیوار و سقف مسجد بودند متواری هستند و دادستان به رییس پلیس تهران دستور اکید داده است از تمامی طوطی‌های لازم برای شناسایی دستگیری هرچه سریع‌تر متهمان استفاده شود.» به گفتهٔ این مقام قضایی سه نفر در این رابطه دستگیر شده‌اند بنا بر این گزارش در پی ریزش سقف قسمت زانه مسجد حضرت رقیه(س) واقع در منطقه قلاچ، شش زن کشته و دو نفر دیگر زخمی شدند.

«اینتریل» دنبال زد اینترنتی

■ شرق: فردی که با حساب شخص دیگری به صورت اینترنتی کارت‌شازز خریده بود تحت تعقیب پلیس‌بین‌الملل قرار گرفته.ماموران پلیس فتای قزوین در پی شکایت فردی مبنی بر برداشت اینترنتی ۱۸ میلیون تومان از حسابش، اقدامات خود را آغاز کردند و در بررسی‌ها مشخص شد این مبلغ در چند مرحله به‌صورت خرید اینترنتی کارت‌شازز از حساب شاکي برداشت شده است. کارآگاهان همچنین فهمیدند سارق اطلاعات بانکی مالباخته را هک کرده و پس از به‌دست‌آوردن رمز دوم اینترنتی کارت عیاربانک، سرقت را انجام داده است. ماموران در ادامه متهم را شناسایی کردند اما به دلیل متواری‌ش‌ی وی به کشور ترکیه موضوع از طریق اینتریل در دست پیگیری است.

شرق: تحقیقات پلیسی درباره قتل دختر دانش‌آموز بوکانی هنوز به نتیجه قطعی نرسیده و کارآگاهان جنایی در حال بازجویی از پنج مظنونی هستند که در این ارتباط دستگیر کرده‌اند. این در حالی است که رییس پلیس آگاهی آذربایجان غربی مقتول را دختری فراری معرفی کرده اما نماینده بوکان در مجلس این موضوع را قبول ندارد. سمیه که دختری ۱۷ساله است روز ۱۶فروردین به طرز مرموزی ناپدید شد و همان‌زمان پدر او موضوع را به پلیس گزارش داد اما کارآگاهان نتوانستند ردی از این دختر پیدا کنند تا اینکه روز ۲۱فروردین جنازه این دختر کنار رودخانه‌ای که از میان شهر بوکان می‌گذرد، کشف شد. پس از آن خبر در شهر پیچید و مردم بوکان روز جمعه گذشته به نشانه اعتراض مقابل فرمانداری این شهر تجمع کردند در حالی که هنوز تحقیقات پیرامون این پرونده کامل نشده است.برخی مسوولان دیروز انگشت اتهام را به سوی خود مقولن نشانه گرفتند و سرهنگ رسول التقی‌پور – رییس پلیس آگاهی آذربایجان‌غربی – گفت: «چین بررسی‌های پلیس معلوم شد، دختر مفقودی سابقه فرار از خانه و مصرف موادمخدر را دارد که این امر بر جدی‌تر شدن تجسس‌ها منجر شد.»التقی‌پور همچنین از کشفه دفتر یادداشت مقتول از محل رها شده خبر داد و افزود: مقتول در این دفترچه به فرار از خانه و سرنوشت نامعلوم خود اشاره کرده است که این نشان از کمبود عاطفه و محبت دارد. حسن عباسی، فرماندار بوکان نیز وقوع هرگونه آدم‌ربایی در این شهرستان را کذب محض دانست و به ایسنا گفت: هیچ‌گونه آدم‌ربایی

در این شهرستان اتفاق نیفتاده است بلکه سمیه با توجه به اختلافاتی که با خانواده خود داشت به اتفاق مردی از خانه و شهر خود خارج شد و در یک روستا اقامت کرد. با این وجود «محمدقسیم عثمانی» نماینده بوکان در مجلس فراری بودن سمیه را تکذیب کرد و به خبرنگار ما گفت: «این دختر دانش‌آموز دوره پیش‌دانشگاهی بود و هر روز صبح پدرش او را به مدرسه می‌برد و بعدازظهر به خانه بازمی‌گرداند اما صبح روز حادثه چون پدر بدحال بود سمیه خودش راهی مدرسه شد و پدر او بعدازظهر با موتورسیکلت دنبال فرزندش رفت.»روز حادثه پدر وقتی دید انتظارش برای خروج سمیه از در مدرسه بی‌نتیجه است از مسوولان مرکز آموزشی پرس‌وجو کرد و فهمید دخترش آن روز اصلا به مدرسه نرفته است برای همین نگران شد و جست‌وجوهایش را برای یافتن سمیه آغاز کرد اما راه به جایی نبرد. بعد از کشف جسد سمیه، پدر او به پزشکی قانونی رفت و جنازه را شناسایی کرد. متخصصان نیز اعلام کردند آثار جراححت روی بدن این دختر وجود ندارد. عثمانی در این‌باره خاطر‌نشان کرد: «تحقیقات پزشکی قانونی نشان داده مقتول مورد تجاوز قرار نگرفته است.»ییس پلیس آگاهی آذربایجان‌غربی نیز این موضوع را تأیید و البته اضافه کرد: «در بررسی‌های به‌عمل‌آمده از پزشکی قانونی اثری از کبودی و ضرب و جرح در بدن مقتول کشف نشد و در نتیجه تجاوزی نیز صورت نگرفته بود.»به گفته سرهنگ التقی پزشکی قانونی زمان قتل را در همان روز ناپدید شدن دختر دانش‌آموز اعلام کرده است. البته به نظر می‌رسد تعیین زمان اعلام‌شده برای

حوادث

رییس پلیس آگاهی استان آذربایجان غربی مقتول را متهم کرد

قتل دختر بوکانی همچنان در هاله‌ای از ابهام

وقوع قتل هنوز قطعی نیست زیرا نشانه‌هایی به دست آمده است که ثابت می‌کند سمیه حداقل تا روز روز بعد از گم شدن هنوز زنده بود. کارآگاهان جنایی سرخنجی از حضور این دختر و مردی متاهل در یکی از روستاهای اطراف بوکان به دست آورده و با توجه به بازجویی‌های انجام‌شده به این نتیجه رسیدند که دختر و مرد جوان به مدت دو روز در آن روستا اقامت داشتند. نماینده بوکان در این‌باره گفت: «به نظر می‌رسد سمیه با زور به همراهی با آن مرد مجبور شده زیرا فرد مورد اشاره از اراذل و اوباش شهر است.»فرماندار بوکان روایت دیگری دارد و معتقد است سمیه با میل خود راهی روستا شده است. او توضیح داد: پس از دو روز ماندن این دو نفر در روستا، مرد با اعلام اینکه متاهل است، قصد بازگشت به شهر را داشت اما می‌ان آنان دعویی به وجود آمد که در نهایت منجر به قتل دختر فراری شد. این اظهارات عباسی حکایت از آن دارد که وی جرم مرد متاهل را در قتل سمیه قطعی می‌داند. مردی که این مقام به او اشاره می‌کند سلیمان نام دارد و یکی از پنج مظنونی است که در این خصوص دستگیر شده است. سلیمان که سه روز بعد از کشف جنازه بازداشت شد به گفته سرهنگ «التقی» به آشنایی با مقتول اعتراف کرده اما قتل را انپذیرفته است با این وجود فرماندار بوکان تأکید کرد: آن چیزی که مسلم میان این دو نفر دعوایی صورت گرفته که نهایتاً منجر به قتل «سمیه» شده است، دعوای صورت‌گرفته بین این دو نفر محرز است و آثار خراشیدگی‌های مربوط به این درگیری روی بدن متهم دیده می‌شود که نشان از قتل دختر توسط همین فرد

محاكمه عامل حمله به خودرو حمل زندانیان

■ این مرد برای فراری دادن پدر همسرش یک مامور بدرقه را به قتل رسانده است

شده است و من همیشه به او افتخار می‌کنم. این حال از نظرشان قضایی می‌خواهم اجازه ندهند خون بسرم می‌آید. شون و درخواست قصاص هرچه سریع‌تر عامل قتل پسرمر را دارم. در این هنگام قضای از متهم خواست در جایگاه حاضر شود. فرد اتهامش را قبول کرد و گفت: مدتی قبل از این حادثه یکی از دوستان پدرزنم برای انتقام‌گیری از او دو کیلو کرک در ماشین او جاسازی کرده و پلیس هم ماشین را متوقف و پدرزنم را دستگیر کرده بود. او مرد فرهنگی بود و اصلا دنبال موامعند نبود. برایش پاپوش درست کرده بودند و ما می‌دانستیم چه کسی این کار را کرده است. از وقتی که او بازداشت شد در محسرم خیلی ناراحت بود. مدام گریه می‌کرد. او پدرش را دوست داشت و من هم همسر را نمی‌توانستم اشکهای او را ببینم و سساکت بنشینم. به همین دلیل تصمیم گرفتم کاری بکنم. با پدرزنم و دوستم به نام میثم قرار گذاشتیم روزی که قرار است پدرزنم را به دادگاه منتقل کنند ماشین حمل زندانی‌ها را متوقف کنیم و پدرزنم را فراری بدهیم تا بتوانیم سراغ مردی که برایش پاپوش درست کرده بود، برویم و او را به ماموران تحویل دهیم.



ماند.»هقان در ادامه گفت: «با بررسی‌های انجام‌شده و ردیابی‌ای که از طریق خودرو پیکان انجام شد پلیس توانست سه متهم استفاده‌کننده از آنها ۱۲۹آخر سال گذشته بازداشت شده متهمان به جرم خود اعتراف کردند و با توجه به اینکه «فرد» مرد ۲۹ساله اصلی این پرونده است درخواست صدور حکم قانونی را در مورد او دارم.»هر ادامه این جلسه با توجه به اینکه در این کتیرخواست در مورد دو متهم دیگر درخواستی نشده بود و متهمان ردیف دوم و سوم در دادگاه نبودند، پدر و مادر مقتول در جایگاه حاضر شدند و برای قاتل درخواست قصاصی کردند. پدر مقتول گفت: من خودم سال‌ها در جبهه بودم و جنگیدم اما شهادت نصیبم نشد ولی حالا پسرم شهید

توقف دزد میلیاردی بعد از اصابت ۶ گلوله

لیاس‌ها را یکی از مجرمان سلیقه‌دار به نام علیرضا در اختیار وی قرار داده است تا او آنها را بفروشد. علیرضا که سبوق متعددی در زمینه سرقت و همچنین حریق عمدی خودرو دارد بد به اطلاعات درخشانه در پرونده‌اش در منطقه میدان سیاه – خیابان سرباز زندگی می‌کرد و به همین دلیل ماموران این مکل را به صورت نامحسوس تحت پوشش قرار دادند. در ادامه با توجه به اطلاعات به‌دست‌آمده در خصوص مسلح بودن متهم به سلاح گرم و احتمال ایجاد درگیری کارآگاهان تصمیم گرفتند این مرد را داخل گنجینه‌اش به دام بیندازند. آنها بعد از محاصره محل، وارد عمل شدند. در این بین علیرضا با استفاده از افشانه اشک‌آور و درگیری با پلیس سعی کرد از طریق پشت‌بام منازل اطراف فرار کند، او که با توجه به اینکه به دستور ایست ماموران و تیراندازی هوایی اعتنایی نداشت و سرانجام هدف سه گلوله قرار گرفت اما با این وجود همچنان تلاش داشت. محل متواری شود که باز هم مورد اصابت سه گلوله دیگر قرار گرفت و در نهایت دستگیر شد. بعد از آن کارآگاهان در بازرسی از مخفیگاه متهم مقدار زیادی اموال مسروقه را به ارزش بیش

پنج قاره

شیشه ۱۰۰ ساختمان اطراف این کارخانه بشکند.

سرقت از ۴ بانک در ۴ ساعت

■ یونانمد پرس: پلیس فدرال آمریکا از وقوع چهار مورد سرقت از بانک طی مدت چهار ساعت در ایالت «گزناس» خبر داد. این چهار مورد سرقت از بانک از ساعت ۱۰:۳۰ تا ۱۲:۴۰ به وقت محلی در چهار منطقه مختلف شهر «هوستون» به وقوع پیوست. در اولین مورد، مردی مسلح پس از وارد شدن به داخل بانک مبلغ نامشخصی پول از یکی از کارکنان گرفت و پا به فرار گذاشت. مدتی پس از آن نیز یکی دیگر از

دارد. به گفته وی اعترافات متهم حاکی از این است که روز روز پس از اقامت در روستا، وی به مقتول اصرار کرد به شهر بازگردند اما مقتول نپذیرفت. عباسی درباره اینکه قاتل همدستانی نیز در این ماجرا داشته است با خبر، اظهار کرد: متأسفانه شایعاتی به وجود آمده که این ماجرا یک آدم‌ربایی بوده که توسط ۱۰ تا ۱۵ نفر اتفاق افتاده اما این کذب است و صحت ندارد. البته پلیس شش نفر از افرادی را که این دختر قبلا می‌شناختند دستگیر کرده است اما این افراد در قتل این دختر دخالتی نداشتند.

در شرایطی که هنوز جزئیات این جنایت روشن نشده است مردم بوکان در انتظار معرفی قاتل یا قاتلان هستند. اکنون در این شهر شایع شده است افرادی دختران مقاطع تحصیلی راهنمایی و دبیرستان را می‌ربایند و مورد آزار قرار می‌دهند. عثمانی این شایعات را رد کرد و گفت: «بوکان شهر امنی است و فقط همین یک اتفاق را داشتیم اما موضوع این است که کاسه صبر مردم لبریز شده است. شش یا هفت نفر در این شهر حضور دارند که به باج‌گیری و جاقو کشی مشغول هستند و مردم به همین موضوع اعتراض دارند. سوال من نیز این است که چرا این افراد در سریع‌وقت دستگیر نمی‌شوند و برخورد قانونی با آنها صورت نمی‌گیرد تا هم خودشان تنبیه و هم مایه عبرت دیگران شوند. این افراد برای ایجاد هراس در مردم، خودشان را به ارگان‌هایی نسبت می‌دهند در حالی که هیچ ارتباطی با این ارگان‌ها ندارند و خود این ارگان‌ها از آنها ناراضی هستند اما همین ادعاها و رفتارهای اراذل و اوباش باعث شده است شبکه‌های مافیای رای روی این موضوع مانور بدهند.»

برای این کار من به غرب کشور رفتم و یک کلاشینکف خریدم و برگشتم. روز اجرای نقشه با هم بیرون رفتیم. من سوار ماشین پیکان بودم و پدرزنم و میثم سوار رانتیا ماشین حمل زندانی را متوقف کردم. من کلاشینکف را درآوردم و تهدید کردم. توانستم ماموران را دور و داخل ماشین رانگاه کنم. پدرزنم در خودرو نبود. بعد مقتول که از ماموران زنان بود سعی کرد جلویم را بگیرد. من هم برای اینکه برترسانم‌ش شلیک کردم اما اصلا قصدم این نبود که او را بکشم. وقتی که او غرق در خون روی زمین افتاد ما از ترس فرار کردیم و یادم‌ان رفت پیکان را ببریم. در ادامه وکیل متهم در جایگاه حاضر شد. او گفت: موکل من قصد قتل نداشت و این تیراندازی یک اتفاق بود. او زندگی سختی داشت و به دلیل نداشتن پدرومادر نزد خواهرش زندگی می‌کرد و در واقع خواهرش او را بزرگ کرده است. او خیلی زود ازدواج کرد و به همسرش دل بست و برای اینکه او را در ناراحتی نبیند چنین کاری کرد. من از اولیای‌دم درخواست دارم به گذاشته موکل توجه کنند و او بی‌عشمتی به پایان متهم برآی این آخرین دفاعیاتش در جایگاه حاضر شد. او گفت: یکبار دیگر می‌گویم خودم را در این قتل مقصر می‌دانم اما ولقا قصد کشتن هیچ‌کس را نداشتم. من از کارم پشتیبان هستم و درخواست دارم اولیای دم من را ببخشند. او که به شدت گریه می‌کرد، گفت: غلب وجدان دارم و از کارم پشیمان هستم. در پایان هیات قضات (غلامی، گرم و پدرزنم را فراری بدهیم تا بتوانیم سراغ مردی که برایش پاپوش درست کرده بود، برویم و او را به ماموران تحویل دهیم.

برای این کار من به غرب کشور رفتم و یک کلاشینکف خریدم و برگشتم. روز اجرای نقشه با هم بیرون رفتیم. من سوار ماشین پیکان بودم و پدرزنم و میثم سوار رانتیا ماشین حمل زندانی را متوقف کردم. من کلاشینکف را درآوردم و تهدید کردم. توانستم ماموران را دور و داخل ماشین رانگاه کنم. پدرزنم در خودرو نبود. بعد مقتول که از ماموران زنان بود سعی کرد جلویم را بگیرد. من هم برای اینکه برترسانم‌ش شلیک کردم اما اصلا قصدم این نبود که او را بکشم. وقتی که او غرق در خون روی زمین افتاد ما از ترس فرار کردیم و یادم‌ان رفت پیکان را ببریم. در ادامه وکیل متهم در جایگاه حاضر شد. او گفت: موکل من قصد قتل نداشت و این تیراندازی یک اتفاق بود. او زندگی سختی داشت و به دلیل نداشتن پدرومادر نزد خواهرش زندگی می‌کرد و در واقع خواهرش او را بزرگ کرده است. او خیلی زود ازدواج کرد و به همسرش دل بست و برای اینکه او را در ناراحتی نبیند چنین کاری کرد. من از اولیای‌دم درخواست دارم به گذاشته موکل توجه کنند و او بی‌عشمتی به پایان متهم برآی این آخرین دفاعیاتش در جایگاه حاضر شد. او گفت: یکبار دیگر می‌گویم خودم را در این قتل مقصر می‌دانم اما ولقا قصد کشتن هیچ‌کس را نداشتم. من از کارم پشتیبان هستم و درخواست دارم اولیای دم من را ببخشند. او که به شدت گریه می‌کرد، گفت: غلب وجدان دارم و از کارم پشیمان هستم. در پایان هیات قضات (غلامی، گرم و پدرزنم را فراری بدهیم تا بتوانیم سراغ مردی که برایش پاپوش درست کرده بود، برویم و او را به ماموران تحویل دهیم.

از یک‌میلیارد تومان کشف کردند. انواع فرش‌های دستباف و ایرشم، انواع لاستیک‌های خودرو، انواع ساعت، انواع کت و شلوار و براهن، وسایل صوتی، وسایل داخل خودرو، کولرهای گازی، انواع اسباب‌بازی‌های گران‌قیمت، وسایل زینتی و عط و اراکل‌های گران و… از جمله اموال کشف‌شده در این محل بود. ماموران همچنین خودروی «جنسیز» مسروقه را نیز در یکی از کوچه‌های اطراف پیدا و همسر ۲۸ساله علیرضا به نام نسیم را هم بازداشت کردند. پس از ملاوای متهم در بیمارستان و انتقال وی به پلیس آگاهی، ضمن اعتراف به ده‌ها فقره سرقت از مراعاتی مناطق شمال غرب و مرکز تهران دیگر همسدت خود در زمینه فروش اموال مسروقه را که زنی ۲۸ساله به نام مرضیه است، معرفی کرد و این زن نیز چند روز قبل در خانه‌اش در قیطریه دستگیر و در بازرسی از مخفیگاه‌ش مقدار دیگری از اموال مسروقه از قبیل فرش‌های ایرشم، لباس، عطر و… کشف شد. سرهنگ عباسعلی محمدیان، رییس پلیس آگاهی تهران ضمن اشاره به شناسایی ۱۵ مالباخته‌ای که مظارعه‌ای آنها به شیوه قتل‌دری مورد سرقت قرار گرفته است، گفت: «با توجه به اسناد و مدارک شناسایی کشف‌شده متعلق به مالباختگان و همچنین تجمع پرونده‌های سرقت مشابه، شناسایی و دعوت از مالباختگان در دستور کار قرار گرفته است لذا از کلیه مالباختگانی که در طول چند ماه گذشته به این شیوه مورد سرقت قرار گرفته‌اند یا وجوه و مدارک شناسایی داخل گاوشتی‌های آنها به شیوه تعقیب درزیده شده دعوت می‌شود برای پیگیری شکایات و شناسایی اموال مسروقه خود به پایگاه هفتم پلیس آگاهی تهران مراجعه کنند.»

بانک‌های این ایالت مورد حمله دو فرد مسلح قرار گرفت که این دو نفر پس از برداشتن مبلغ نامشخصی پول از بانک خارج شدند. یکی از شاهدان سومین مورد از این سرقت‌های مسلحانه گفت: حدود ساعت ۱۱:۴۵ بود که یک مرد مسلح وارد ساختمان بانک شد و پس از تهدید یکی از کارمندان مبلغی را گرفت و بیش از خارج شدن گلوله‌ای شلیک کرد. در چهارمین سرقت نیز سارق بدون هیچ‌گونه نگرانی از دستگیری وارد بانک شد و پیش از رسیدن پلیس با به فرار گذاشت. پلیس فدرال آمریکا در حال انجام تحقیقات بیشتر و پیداکردن سرنخ برای به دام انداختن پنج سارق است.

نگاه

زنده یاد «احمد آقا»



■ خبر را که خوانده‌اید، «احمد ربانی» رفتگر بیرجندی کیف یک‌میلیارد تومانی را پیندا کرد و به صاحبش برگرداند. به همین راحتی، راحت‌تر از آنکه قفرش را بکنید، راستی قفرش را بکنید و وقتی دارید فکر می‌کنید یادتان نباید که حقوق ماهانه احمد آقا پانصد هزار تومان است. همیشه را بیشتر وقتی در کم می‌کنیم که یادم‌ان بیاید کسلی با حقوق‌های میلیونی، هزاران میلیارد را که مال خودشان نبود به راحتی اب خوردن در داشتند و رفتند. کیف‌هایی مشابه این جلوی راه احمدآقا سبز شد، هر چند وقت یکبار جلوی همه‌مان قرار گرفته، همه ما بنابه موقعیت و دسترسی‌ها و ادعاهایمان، با کیف‌هایی با رقم‌های مختلف مواجه شدیم. بعضی‌هایمان حواس‌مان بوده و کیف را به صاحبش برگردانده‌ایم، یا اینکه بی‌درنگ و با درنگ برداشتیمش را به سه دانش ترحیب داده‌ایم. نوی این کیف‌ها هم حتما لازم نیست پول و طلا بوده باشد، بعضی وقت‌ها آبروی کسی یا کسلی بوده، زمانی اعتبار و موقعیتی بالاتر از جایگاه واقعی‌مان، کار و شغلی فراتر از توان و تجربه‌مان، حتی یک وقت‌هایی تعریف و تمجیدی بیش از شایستگی‌مان، این‌ها همه روبه‌رویمان قرار گرفته و ما چه کرده‌ایم، چندتا یل‌مان مثل آب خوردن، مثل کاری که احمدآقا کرد، کیف را بی‌درنگ به صاحبش پس‌دادیم؟ چند بار درنگ کرده‌ایم و پس‌دادیم؟ و چندبار بی‌آنکه به روی مبارک‌مان بیایوریم بر داشتیم‌ایم؟ ماجرای احمد آقا که دیروز خواندم، به همین چیزها فکر کردم، به کاری که در این اوضاع سخت، به آسانی آب‌خوردن ایدشام داده، به کاری که به قول خودش باید انجام می‌دهد، این جملاتش که «والله این مرد را باید پس‌داد.» راستی چه کسلی در چه موقعیت‌هایی به این جمله حتی فکر می‌کنند؟ راستی صاحب کیف میلیاری، از خودش پرسید که اگر با کیف مواجه می‌شد، چه می‌کرد؟ احمدآقا که نشان داد پول برایش چقدر ارزش دارد، آیا صاحب کیف پیدا شده هم ارزش کار احمدآقا را فهمید؟ ظهور و بروز امتا احمدآقا، امیدوارم می‌کنند که هنوز جای امیدواری هست، اگر کسلی با حقوق‌ها و موقعیت‌های آنچنانی کیف‌های فراوان متعلق به دیگران را به راحتی آب خوردن برمی‌دارند و پس‌می‌دهند هنوز احمدآقا هستند.

پس زنده باد احمدآقا!

رخداد

اعدام برای عاملان جنایت در آتگاه اصفهان

■ مهر: عاملان آزار و اذیت مادر و دختر و سرقت میلیونی از خانه قربانیان با تأیید حاکم‌آمان‌شان از سوی قضات دیوان عالی کشور بازجویی پای جوبهار می‌روند. ساعت صبح شنبه چهارم مهر سال ۱۳۸۸ زنی هراسان با مرکز فوریت‌های پلیسی اصفهان تماس گرفت و روز جانیاتی را فاش کرد. دقایقی پس از این تماس، گروهی از ماموران خود را به خانه مورد نظر منطقه آتگاه اصفهان رساندند. مریم ۲۰ساله و دختر ۹ساله‌اش، شنبم با چهاری وحشت‌زده به ماموران گفتند: نیمه‌های شب دو مرد با دود به خانه آنها را زد، تأیید، مورد آزار و اذیت رفتار دادند. با توجه به حساسیت موضوع، دو تیم از کارآگاهان مبارزه با جرایم جنایی و کارشناسان بررسی صحنه جرم با حضور در محل جنایت سیاه و نمونه‌داری از آثار به‌جا مانده در خانه به تحقیق از مریم – زن صاحب‌خانه – پرداختند. وی گفت کارمند یکی از ادارات اصفهان هستم که چند سال قبل به دلیل اختلاف‌های خانوادگی از شوهرم جدا شدم. از آن پس نیز همراه دخترم شنبم در این خانه زندگی می‌کنیم. حدود ساعت دو یامداد با شنبین صدایی از خواب پریده و ناگهان دو مرد تقطار از بالای سر خود دیدم. آنها تهدید کردند در صورت هرگونه سروصدا ما را می‌کشند. مردان ناشناس سپس دستور داد، با دهن‌ما را بسته و دست‌وجو‌ی خانه برداختند. آنها پس از جمع کردن لوازم بارزش خانه نقشه سیاه و شیطانی‌شان را نیز اجرا کرده و حدود ساعت پنج‌صبح فرار کردند. از سوی دیگر کارآگاهان در بازرسی خانه دریافتند دران خشن از بالای دیوار وارد شده و با سرقت دو دستگاه خودرو سواری، لوازم صوتی و تصویری، مقداری پول نقد و مدارک متعلق به شنبم نیز تحقیق برای کشف سرنخی در بررسی‌های محلی به پسر ۲۴ساله‌ای به نام فرشید مشکوک شدند و وی را تحت نظر داشتند پس از چند روز متوجه رفت‌و‌آمدهای او به باقی در اطراف شهر شدند و پس از بازرسی با یکی از خودروهای سرقتی را که به شکل ششایی پنهن شده بود کشف کردند. با این وجود پس از درگیری بافر – همسدت متهم – که از اسرار سلیقه‌دار منطقه بود سرانجام عملیات دستگیری جادگاه‌ها در کلید خورد.

ماموران برای دستگیری باقر وارد باغی شده بودند که کفتار فراری با مشاهده پلیس با به فرار گذاشت و به‌طور ناگهانی ناپدید شد. کارآگاهان که می‌دانستند او از باغ خارج شده به بازرسی دقیق پرداختند و به چاه متروکه‌ای رسیدند سپس کمک باثر نشان‌شان، اعلام محرم مجروح را از عمق ۱۱ متر چاه خارج کردند.او ا صدمه جدی ندیده بود. فرشید به کارآگاهان گفت: شش ماه قبل با باقر آشنا شدم. یک روز باقر موضوع سرقت از خانه مادر و دختر تنها و آزار و اذیت‌شان را مطرح کرد. ابتدا مخالفت کردم اما سرانجام وسوسه شدم. در ادامه با توجه به حساسیت ماجرا و ایجاد فضای رعب و وحشت در منطقه، رسیدگی به این پرونده در دستور کار قضات دادگاه کیفری استان اصفهان قرار گرفت. قاضی محمدرضا حبیبی – دادستان عمومی و انقلاب اصفهان – در این‌باره گفت: متهمان با تکمیل تحقیقات، پای میز محاکمه قرار گرفتند که قضات دادگاه کیفری پس از محاکمه دو پسر شیطان‌صفت، آنها را با توجه به اقرارشان، اعلام محرم کشف شد در صحنه جرم و اظهارات شاکیان به اعدام محکوم کردند. وی افزود: با اعتراض جاس ماموران در ادامه متهم را شناسایی کردند اما به دلیل متواری‌ش‌ی وی به کشور ترکیه موضوع از طریق اینتریل در دست پیگیری است.